



آیت‌الله العظمی جواد آملی تشریح کرد: تفسیر واقعی قرآن چیست؟

آیت‌الله العظمی جواد آملی با بیان اینکه تشریح برخی آیات، ترجمه است نه تفسیر گفت: پرداختن به مسایل نفس‌گیری مانند سرنوشت بدن انسان بعد از اینکه زمین در قیامت به زمینی دیگر تبدیل می‌شود، تفسیر واقعی است.

آیت‌الله العظمی جواد آملی با بیان اینکه تشریح برخی آیات، ترجمه است نه تفسیر گفت: پرداختن به مسایل نفس‌گیری مانند سرنوشت بدن انسان بعد از اینکه زمین در قیامت به زمینی دیگر تبدیل می‌شود، تفسیر واقعی است.

به گزارش خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، آیت‌الله العظمی عبدالله جواد آملی امروز 17 دی در ادامه تفسیر سوره زمر و ادامه بحث روزهای قبل خود به مسئله اهمیت حضور قلب در نماز اشاره کرد و گفت: اینکه بعضی از بزرگان می‌گویند کسانی که در نماز حواسشان جمع نیست و حضور قلب ندارند و پیش معبودشان نیستند چگونه می‌گویند السلام و تعجب می‌کنند از این کار برای این است که این سلام یا تحیت است یا تودیع؛ اگر کسی از بیرون آمده باشد و به جمعی برسد سلام می‌کند یا سخنرانی تمام شده باشد می‌گوید السلام؛ کسی که قبل از نماز ذهنش پیش مردم و دنیاست و در نماز هم ذهنش پیش مردم و دنیاست چه جور می‌گوید السلام؛ به چه کسی سلام می‌دهد. چگونه رویش می‌شود بگوید. چه سلام، تحیت باشد و چه تودیع این کار مشکل است که انسان السلام علیکم بگوید ولو اینکه در لفظ بگوید.

وی با بیان اینکه نماز چون معراج مومن است، نجوای با خداست تصریح کرد: انسان چون نمازش تمام شد و از سفری معنوی تازه وارد مردم می‌شود در این صورت می‌گوید سلام.

این مفسر قرآن با اشاره به دستور خداوند مبنی بر عبادت و اطاعت مطلق الهی عنوان کرد: فرمود مشرکان نه مبدا و نه معاد را شناختند اینها باید بدانند کل عالم در اختیار پروردگار است و این طور نیست که عالم خلق شده و رها شده باشد.

ذات قابل شناخت نیست

وی ادامه داد: الله آن طور که هست قابل شناخت نیست؛ 28 روایت صدوق در این باره نقل کرده است که خدا یک حقیقت نامتناهی است ولی ظهوری دارد که عالم و علمش و معلوم را فرا می‌گیرد؛ ظهور الهی به عالم، علم، معلوم احاطه دارد و ما قبل از اینکه چیزی بفهمیم فهم ما تحت اراده اوست لذا صدوق گفته مبدا کسی بگوید من فیلسوفم و حکیمم و با این چیزها خود را گمراه کند زیرا قبل از اینکه انسان فهمش را بفهمد او می‌داند.

جواد آملی بیان کرد: فرمود آن مقداری که مقدور شما است و ما گفتیم در آن و درباره آن فکر کنید، هم، مشرکان و کافران همین مقدار را هم فکر نکرده‌اند چون حقیقت ذات چیزی است که انبیاء و ائمه هم حق راهیابی ندارند.

این مفسر قرآن در ادامه بیان کرد: اعتقاد به معاد برای احساس مسئولیت و اصلاح جامعه مفیدتر از اعتقاد به توحید است؛ چون وقتی حساب و کتابی نباشد انسانی که خدا را هم قبول دارد خود را رها می‌داند لذا مهمترین عامل برای اصلاح جامعه باور به معاد است. البته صرف اعتقاد به خدا و ربوبیت او کافی نیست اعتقاد به معاد است که سازنده است و معاد هم غیر از مبدا چیز دیگری نیست.

صاحب تسنیم در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به وضعیت زمین بعد از قیامت اظهار کرد: این سه کار یعنی زمین موجود، زمینی که تبدیل به زمین دیگری می‌شود و خود تبدیل زمین دنیا به زمین آخرت، هر سه در قبضه الهی است لذا اگر هر سه در قبضه اوست چگونه انسان می‌تواند از او فاصله بگیرد.

وی افزود: قرآن درباره آسمان فرمود «مطویات بیمینه»؛ فرمود ما طومار و بساطش را جمع می‌کنیم، جمع می‌کنیم که عوض کنیم نه اینکه جایی جمع کنیم. یکی از مشکلات اساسی ما که اشک می‌ریزم برای این است که اگر در خانه اهل بیت باز بود و دسترسی داشتیم می‌پرسیدیم که آسمان و راه شیری و زمین که عوض شود به چه تبدیل می‌شود راز عوض کردن چیست، چرا عوض می‌شود؛ اگر بدن برخی در مریخ دفن شد و آسمان به آسمانی دیگر تبدیل شد چه وضعی می‌یابد؛ اینها باید پرسش شود.

تفسیر واقعی قرآن چیست؟

جواد آملی عنوان کرد: اینکه بعد از تبدیل زمین به زمین دیگر، انسان را خارج می‌کنند یا همزمان یا قبل از اینکه زمین را تبدیل کنند؟ تفسیر، اینهاست نه «الذین آمنوا...»؛ بیشتر مباحث در البیان ترجمه است و از مباحث آدم‌کش و نفس‌گیر خبری نیست. در امین‌الاسلام و تبیان شیخ طوسی هم خبری نیست، اینکه آیا انسان قبل از تبدیل زنده می‌شود یا بعد و یا همراه آن؛ اگر زمین به زمین دیگری تبدیل شد که در روی آن گناه نشده پس زمینی غیر از آن است و بدن غیر از آن بدن می‌شود؛ لذا بهترین راه این است که بگوئیم هر چه انبیاء و قرآن گفته‌اند ما هم بگوئیم چشم و آن را بپذیریم چون ما از توان فهم آن عاجز هستیم.

ملکوت؛ جایی برای تفکر آدمی نیست

وی تاکید کرد: در جایی که ملکوت است و ذات، می‌گوید سبحان الله اینجا جای فکر کردن شما نیست ولی در جایی که ملک است مقداری جا برای تفکر باز کرده‌اند، ولی در ملکوت از اول می‌گوید بروید کنار اینجا جای فکر شما نیست؛ شما درباره کسی که از ماده منزّه است چگونه می‌خواهید بحث کنید.

جوادى آملی اظهار کرد: اینکه شهید دارد که «لا اله الا الله» لای نفی جنس است و خبر نمی‌گیرد برای این است؟ حرف شهید این است که «لیس» تامه است و خبر نمی‌خواهد؛ لای نفی جنسی است که خبر نمی‌خواهد زیرا عبارت با «لا اله» کامل است.